

بررسی هجرت و احکام آن از دیدگاه فقه اسلامی

محمد اکرم حکیم

پوهندوی دوکتور، دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون جوزجان، شبرغان، افغانستان.

<https://orcid.org/0000-0002-3190-4649> - m.akramhakim88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۶ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۸/۲۳

چکیده

هجرت بیشتر به معنای مسافرت از دار الحرب به دار الاسلام برای فراگیری شریعت اسلام و یا مسلمان شدن به کار رفته است و یا به معنای انتقال از دار الکفر به سوی دار الاسلام برای کسانی که قادر به اظهار دین و اقامه آن نباشند، به کار رفته است. هدف این مقاله، با تبیین انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام و بررسی احکام آن از دیدگاه فقه اسلامی می‌باشد. البته این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش گردآوری کتابخانه‌ای، هجرت و احکام آن را از دیدگاه فقه اسلامی مورد بحث قرار داد و در یافته است که در دین اسلام در صورت ضرورت با اهداف خاص، همچون (ایجاد وطنی به دور از ظلم و آزار، زندگی راحت و شرافت‌مندانه در چارچوب فرامین الهی، عملی نمودن دستورات اسلام در زندگی و رسانیدن پیام و گسترش دین اسلام)، به هجرت توصیه شده است و همچنان در فقه اسلامی، سرزمین به دار الاسلام و دار الکفر/دار الحرب تقسیم شده که بر این اساس، فقهای اسلام احکام هجرت را به چهار دسته: فرض، مستحب، جایز و حرام تقسیم کردند یعنی بعضاً هجرت را فرض، گاهی مستحب، زمانی جایز و در برخی حالات حرام قلمداد کرده‌اند و نیز تعدادی از علماء سفر کسانی را که در دار الحرب با آسودگی خاطر فرایض دینی خود را انجام داده بتوانند، جایز دانسته‌اند. البته انگیزه‌های هجرت از دیدگاه اسلام دستیابی به گشایش و امنیت، تبلیغ و اظهار شعائر اسلام؛ علم‌آموزی و فراگرفتن فنون در هنگام هجرت به منظور رفع نیازهای جامعه اسلامی بوده است.

کلمات کلیدی: دار الاسلام، دار الکفر، فقه اسلامی، کشور، هجرت، مهاجرت.

Examining of migration and its rulings in jurisprudence and law

Muhammad Akram HAKIM

Asistant Prof. PHD, Department of Islamic culture, Faculty of Sharia, Jawztan University, Sheberghan, Afghanistan.

m.akramhakim88@gmail.com - <https://orcid.org/0000-0002-3190-4649>

(Received: 05/06/2024 - Accepted: 13/11/2024)

Abstract

Hijrah (migration) is primarily understood as the act of traveling from Dar al-Harb (the land of war) to Dar al-Islam (the land of Islam) for the purpose of learning and practicing Islamic law or converting to Islam. It also refers to the migration from Dar al-Kufr (the land of disbelief) to Dar al-Islam for those who are unable to openly express their faith and practice it. This article aims to elucidate the motivations and consequences of Hijrah in Islam and examine its rulings from the perspective of Islamic jurisprudence. The research employs a descriptive-analytical methodology, utilizing library-based research to discuss Hijrah and its legal rulings in Islamic jurisprudence. The study finds that in Islam, Hijrah is recommended in certain circumstances, such as seeking a place free from oppression, living a comfortable and dignified life within the framework of divine commandments, implementing Islamic teachings in daily life, and spreading the message of Islam. Furthermore, in Islamic jurisprudence, lands are divided into Dar al-Islam and Dar al-Kufr (or Dar al-Harb). Based on this division, Islamic scholars have classified the rulings of Hijrah into four categories: obligatory (Farz), recommended (Mustahab), permissible (Mubah), and prohibited (Haram). Thus, Hijrah may be considered obligatory, recommended, permissible, or prohibited, depending on the specific circumstances. Some scholars have also deemed the migration of individuals who can freely perform their religious obligations in Dar al-Harb to be permissible. In Islam, the motivations for Hijrah include achieving prosperity and security, propagating and expressing Islamic rituals, seeking knowledge, and acquiring skills to meet the needs of the Muslim community during migration.

Keywords: Dar Al-Islam, Dar Al-Kufr, Islamic Jurisprudence, Country, Hijrah, Migration.

مقدمه

بسیاری از رویدادهای مهم در تاریخ بشر وجود دارد که بر زندگی انسان تأثیر فوق‌العاده می‌گذارد، اگر چه میزان تأثیرگذاری این وقایع یکسان نمی‌باشد. یکی از این حوادث هجرت است که در نظام اجتماعی اسلام جایگاه خاصی را دارا می‌باشد، آیات قرآن کریم و احادیث نبی کریم صلی الله علیه و سلم بیانگر تأثیر خارق‌العاده این پدیده اجتماعی در ساختار جامعه اسلامی است. علاوه بر این، از موضوعات مهم مطرح شده در قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم این است که هجرت پیوند نزدیکی با سایر آموزه‌های دین مقدس اسلام؛ مانند: اظهار ایمان، جهاد، صبر، ادای فرایض، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز جماعت، جمعه و عید، و... را دارد، از این رو فهم دقیق و درست آن در زندگی مسلمانان بسیار مؤثر و کارا می‌باشد. لذا در تمامی ادیان آسمانی، به ویژه در دین مقدس اسلام در صورت ضرورت به امر هجرت اشاره و توصیه شده است که هرگاه فرد مؤمن محیط را نامناسب برای اهداف دین مبین اسلام دید به‌طوری‌که قادر به اظهار دین و عبودیت خداوند جل جلاله نبود، باید وابستگی خود را از وطن و سرزمین خویش ببرد و از آن‌جا هجرت کند.

بشریت در زمان‌های مختلف شاهد هجرت یا مهاجرت انسان‌ها بوده و تقریباً همه پیامبران نیز مشمول آن می‌باشد؛ زیرا اکثر پیامبران مورد هجرت جوامع یا قبایلی که به آنها مبعوث شده بودند، قرار گرفتند. در کنار کسانی که به آنها ایمان داشتند مهاجرت کردند، وطن و دار و ندار خود را در آن‌جا ترک کردند (Ekşi, 2019, p. 220-221). الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأُوخِيَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾ (سوره ابراهیم، آیه ۱۳). ترجمه: و (باز) کافران به پیغمبران‌شان گفتند: البته شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم یا اینکه به دین ما باز گردید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ظالمان را هلاک می‌کنیم (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). این آیه و آیه‌های دیگری در این مورد وجود دارد که بیانگر این واقعیت است (سوره اعراف، آیه ۸۸؛ سوره یونس، آیه ۹۰؛ سوره هود، آیه ۸۱-۸۰؛ سوره ابراهیم، آیه ۱۳؛ سوره حجر، آیه ۶۵؛ سوره اسراء، آیه ۷۶-۷۷؛ سوره طه، آیه ۷۸-۷۷؛ سوره شعراء، آیه ۵۲-۶۷؛ سوره عنکبوت، آیه ۲۶).

قسمی که پیامبران به ترک وطن خود مجبور شدند، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و کسانی که به او ایمان آورده بودند؛ نیز به دلایل مشابه مجبور شدند وطن خود یعنی مکه مکرمه را ترک و هجرت کنند. بنابراین اولین هجرت شناخته شده در تاریخ اسلام، زمانی رخ داد که برخی از مسلمانان به هدایت رسول نبی صلی الله علیه و سلم به حبشه مهاجرت کردند. بعداً به فرمان و دستور الله متعال جل جلاله پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمانان به مدینه منوره هجرت نمودند. این حرکت

و حادثه مقدس که در سال (۶۲۲ میلادی) اتفاق افتاد در تاریخ اسلام «هجرت» نامیده می‌شود. مسلمانان با این هجرت، محیط امنی برای خود به‌دست آوردند.

هر هجرتی که هدفش را اراده الهی تعیین می‌کند، همواره فرصت‌ها و امکانات جدیدی را برای مهاجران به همراه خواهد داشت. به‌طور مثال مهاجرت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام حضرت موسی علیه السلام حضرت لوط و حضرت صالح علیه السلام و پیامبران دیگر و کسانی که به آنها ایمان آوردند. به برکت هجرت از ظلم و ستم قبایل و اقوام خود نجات یافتند و مسکن‌های جدیدی را برای ادامه حیات و تبلیغ دین الهی یافتند. مسلمانان نیز با هجرت کردن به‌سوی حبشه به امنیت جانی و با هجرت به مدینه منوره خانه‌های امنی برای خود یافتند.

چنانچه قبلاً تذکر داده شد، هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره، یکی از مهمترین وقایع تاریخ از نظر نتایج آن است. چون که اولین مخاطبان وحی حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم بودند و نخستین شاگردان و دوستان محمد صلی الله علیه و سلم نیز اولین جامعه اسلامی را در مدینه منوره ایجاد کردند و دین اسلام را از آن‌جا به مناطق دیگر جهان گسترش و توسعه دادند.

تغییرات بزرگی که در تاریخ جهان رخ داده است، ارتباط نزدیکی با حرکت‌های مهاجرتی ناشی از برخی شرایط سخت زندگی دارد؛ زیرا به‌وجود آمدن تمدن‌های بزرگ از طریق مهاجرت‌های زیاد توسط مهاجران به میان آمده است. در دوره حضرت عثمان رضی الله عنه هجرت از مدینه منوره به شهرهای دیگر و مهاجرت قبایل از شرق به غرب، مهمترین نمونه‌های عینی مؤید این قضاوت است. از این نظر، هجرت به مدینه منوره نه تنها برای نخستین مسلمانان؛ بلکه آغازی برای اهداف مهمتر و بزرگتر از جمله ساختن جامعه و تمدن جدید اسلامی به شمار می‌رود (Ekşi, 2019, p. 221).

هجرت که حاصل جست‌وجوی مکان امن مسلمانان می‌باشد، جنبش‌های مهاجرتی با اهداف بزرگی چون رهایی از ظلم، گامی در جهت حکومت اسلامی و ساختن جامعه‌ای جدید صورت می‌گیرد. طوری که هجرت نقطه عطف مهمی در تاریخ بشر دارد، پیامدهای سیاسی و اجتماعی داشته است، همچنان پیامدهای فقهی نیز دارد. بسیاری از مسائل فقهی در رابطه با هجرت به‌ویژه حکم هجرت مورد بحث قرار می‌گیرد؛ مانند دار الحرب، دار الاسلام که توسط مسلمانان به‌خاطر به دست آوردن سرزمینی منحصر به فرد، به آثار خود اضافه شده است (Ekşi, 2019, p. 222).

قسمی که در بالا تذکر داده شد در تاریخ اسلام هجرت نبی کریم صلی الله علیه و سلم سرآغاز تشکیل حکومت اسلامی و پیشرفت مسلمانان در همه زمینه‌ها بوده؛ زیرا محیط مکه مکرمه علی الرغم تبلیغات سیزده سال رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمادگی برای پذیرش اسلام را به‌طور کامل نداشت، از این‌رو هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره، سرآغازی برای حکومت اسلامی گردید. پس از آن نیز هجرت به‌عنوان فریضه الهی مطرح بود؛ یعنی تازه مسلمانان جزیره العرب باید برای تقویت اسلام به مدینه می‌آمدند؛ اما پس از مدتی، هجرت مفهوم گسترده‌تری یافت؛ زیرا روح و مفهوم هجرت، به معنای رفتن از کفر به‌سوی ایمان است. پس از وسعت سرزمین اسلامی و ارتباط مسلمانان با بلاد کفری هجرت مفهوم وسیع و گسترده‌تری پیدا کرد؛ کسانی که از بلاد کفر به بلاد اسلام می‌رفتند جزء مهاجران بودند و همچنین کسانی که برای دفع شر دشمنان اسلام از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌شدند، از مهاجرین محسوب می‌شدند.

در رابطه به هجرت یا مهاجرت، در کتب فقه اسلامی در مورد بحث قرار گرفته است، همچنان در عصر حاضر تحقیقات از قبیل تألیف کتب مستقل و مقالات علمی در زبان‌های عربی، ترکی و انگلیسی، صورت گرفته است. البته در کشور ما افغانستان در رابطه به موضوع کدام تحقیقی صورت گرفته یا خیر؟ نتوانستیم به‌دست آوریم. در این تحقیق با توجه به گستردگی موضوع تنها به بررسی هجرت و احکام آن از دیدگاه فقه اسلامی پرداخته خواهد شد. سایر احکام فقهی که در رابطه با هجرت مطرح می‌شود، به دلیل گستردگی موضوع، در این تحقیق گنجانیده نخواهد شد.

در این مقاله، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده، معلومات براساس روش کتابخانه‌ای گردآوری گردیده و با استفاده از کتاب‌های رجال، طبقات و کتب فقه احناف توضیحات داده شده است.

الف: مفهوم هجرت

۱. مفهوم لغوی هجرت

هجرت در اصل یک کلمه عربی بوده، مشتق از مصدر هجر «هجران» که در لغت به معنای ترک کردن، جداسدن، دور شدن، قطع رابطه و هجرت کردن است. همچنان به معنای جدایی انسان از چیزی جسماً، لفظاً یا قلباً نیز است. مهاجرت خود در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص. ۸۳۳-۸۳۴). علاوه بر این ضد کلمه هجرت وصل بوده، به معنای ترک محل اقامتگاه و رفتن به جای دیگر نیز می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص. ۲۵۰).

۲. مفهوم اصطلاحی هجرت

هجرت یا مهاجرت از مکانی به مکانی دیگری مخصوصاً به دلایل دینی (مذهبی) در تاریخ اسلام واقع هجرت حضرت پیامبر صلی الله و علیه و سلم از مکه مکرمه به مدینه منوره را گویند. علاوه بر این، هجرت در اصطلاح دارای معانی عام و خاص نیز می‌باشد. معنای عام هجرت در اسلام عبارت است از ترک وطن از میان کفار و دار الکفر و هجرت کردن به دار الاسلام و بین مسلمانان است (الجرجانی، ۱۹۸۵، ص. ۲۷۷؛ العسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص. ۳۹). به عباره دیگر انتقال از دار الکفر به سوی دار الامن و یا دار الاسلام برای کسانی که قادر به اظهار دین و اقامه آن نباشند (ملا قاری، ۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۴۶). قبل از فتح مکه مکرمه هجرت فقط به سوی مدینه منوره و حبشه بود؛ ولی بعد از فتح این اختصاص از بین رفت و هر سرزمینی هم‌اکنون می‌تواند دار الاسلام و یا دار الامن باشد. معنای خاص هجرت در شرع عبارت است از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و اصحابش از مکه مکرمه به مدینه منوره در سال (۶۲۲ میلادی) که درخشنده‌ترین برنامه‌ای بود که در اسلام پیاده شد و سرآغاز فصل نوینی در تاریخ اسلام گشت و به‌عنوان مبدأ تاریخ اسلام انتخاب نیز شد. مسلمانانی که به مدینه منوره هجرت کردند، لقب مهاجر و مسلمانان که در مدینه منوره برای رسول اکرم و یارانش همکاری کردند، لقب انصار را گرفتند (Önkal, 1998, p. 458).

نباید از این نکته غافل شد که این دستور العمل‌ها محدود به مهاجرتی است که تا فتح مکه صورت گرفته است؛ زیرا مشاهده می‌شود که معنای هجرت به‌خصوص پس از فتح مکه مکرمه گسترش یافته است. در واقع هجرت ترک ظلم، معصیت، گناه، حرام و هجرت به جاهایی که دور از آنها زندگی کرد، نیز هجرت محسوب می‌شود (الباقرتی، بی‌تا، ص. ۳۴۹). در این مفهوم آخر، مهاجرت نیز شامل مهاجرت‌های می‌شود که در شرایط مشابه تا آخر زمان ادامه خواهد داشت (Ekşi, 2019, p. 222).

اهل تصوف و عرفان هجرت را به معنای ترک عادات ناپسند، مخالفت با تعلقات دنیوی، ترک گناهان و دوری از اسبابی که مانع از طی طریق حق می‌شوند می‌دانند. آنها در هجرت، انتقال جسمانی از مکانی به مکانی دیگر را شرط نمی‌دانند؛ بلکه می‌گویند: هجرت با کناره‌گیری از مردم و عدم مخالطه رفت و آمد با آنها به دلیل فساد، اخلاق‌شان به ارتکاب گناه صورت می‌پذیرد. با دقت در این تعاریف نتیجه می‌گیریم که در حقیقت در معنی هجرت بین این دیدگاه‌ها اختلافی نیست؛ بلکه اختلاف در الفاظ و بیان مفصل و یا مختصر تعریف هجرت است، لذا هجرت در شرع اسلام دارای یک معنای عام مشهور است و آن عبارت است از: انتقال مؤمن

از سرزمینی به سرزمینی دیگر برای حفظ دینش، عمل به شرایع دین و اعتلای کلمه حق" (مؤمنی تیکدری، بی تا).

هجرت در قرآن کریم از ریشه کلمه "هجر" به معنای دوری کردن (تنها گذاشتن) (سوره نساء، آیه ۳۴)، دور شدن، (سوره مریم، آیه ۱۰). ترک یک شخص یا گروهی، (سوره مزمل، آیه ۱۰)، هجرت (مسافرت در راه الله متعال، کوچ کردن) (سوره نساء، آیه ۱۰۰)، جدا شدن (هجرت کردن به سوی الله متعال)، (سوره عنکبوت، آیه ۲۶). دوری کردن از چیزهای بد، (سوره مدثر، آیه ۵). توهین (بد گوئی) کردن، (سوره مؤمنون، آیه ۶۷). رها نمودن و دوری کردن (سوره فرقان، آیه ۳۰). که جمعا در سی و یک جا به شمول مشتقات آن ذکر شده است. در برخی از آیات مطابق معنای اصطلاحی آن «ترک وطن و هجرت به کشور دیگر به حکم الله متعال»، به کار رفته است (سوره بقره، آیه ۲۱۸) (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (سوره بقره، آیه ۲۱۸). ترجمه: البته آنانی که ایمان آوردند و آنانی که (بعد از ایمان) هجرت کردند و در راه الله جهاد کردند، آن گروه امید رحمت الله را دارند، و الله بسیار آمرزنده (و) مهربان است (و از رحمت و مغفرت خود آنها را محروم نمی سازد). در این آیه کریمه الله متعال هجرت را پس از ایمان به خداوند، به عنوان نخستین و بزرگترین اصل، وظیفه‌ای مقدس یاد کرده و آنرا بر جهاد مقدم می‌شمارد (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

مهاجر به معنای هجرت کنندگان در اکثر آیات قرآن کریم برای مسلمانانی که از مکه مکرمه به مدینه منوره هجرت کرده اند، به کار رفته است (Ekşi, 2019, p. 223). به طور مثال، آیات ذیل به این معنی آمده است:

۱- ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (سوره توبه، آیه ۱۰۰). ترجمه: و سبقت کنندگان نخستین (در هجرت و نصرت) از مهاجرین و انصار و آنانی که با نیکوکاری از آنها (صحابه) پیروی کرده‌اند، الله از آنها راضی شده است و آنها از او راضی شده‌اند و برای آنها باغ‌های آماده کرده است که از زیر آن نهرها جاری است، همیشه در آن جاودانند، این است همان پیروزی بزرگ (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۲- ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافِقًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (سوره نساء، آیه ۱۰۰). ترجمه: و هر کس در راه الله هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های زیاد و کشادگی (در رزق) خواهد یافت، و هر که از خانه‌ای خود به

قصد هجرت به طرف الله و رسول او بیرون شود، باز مرگش فرا رسد، پس یقیناً که ثواب او بر ذمه‌ای الله ثابت شده است و الله آمرزنده مهربان است (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۳- ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوا فِي سَاعَةِ الْمُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (سوره توبه، آیه ۱۱۷). ترجمه: بی‌گمان الله بر پیغمبر و مهاجرین و انصار (به رحمت متوجه شد و) ببخشد، آنانی که در هنگام سختی (غزوة تبوک) از او پیروی کردند، بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از آنان منحرف شود، باز توبه آنان را پذیرفت. چرا که او نسبت به آنان مشفق (و) مهربان است (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۴- ﴿وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْلَمُوا لَا تُلْفَخُوا أَلَّا يُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (سوره توبه، آیه ۱۱۷). ترجمه: و کسانی که شما که صاحبان فضیلت (در دین) هستید و توانمندان شما (در ثروت)، نباید قسم بخورند که به خویشاوندان و بینوایان و مهاجران در راه الله چیزی ندهند، و باید که عفو کنند و باید گذشت کنند. آیا دوست ندارید که الله شما را بیامرزد؟ و الله آمرزنده (و) مهربان است (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۵- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حَلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا آفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَارِ وَاسْأَلُوا مَا أُنْفَقُوا مَا أُنْفَقُوا ذَلِكَ حَكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (سوره ممتحنه، آیه ۱۰). ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! چون زنان مؤمن هجرت کردند و به نزد شما آمدند آنان را بیازمائید - الله به ایمان‌شان دلناتر است - پس اگر آنان را زنانی مؤمن دریافتید آنان را به کافران برگردانید نه اینان (زنان مؤمن) برای آنان (کافران) حلال اند و نه آنان (کافران) برای اینان (زنان مؤمن) حلال لند و آنچه را مردان (کافر) انفاق کرده‌لند به آنان بدهید و گناهی بر شما نیست که با آنان ازدواج کنید به شرطی که مهرهای‌شان را به آنان بدهید. عقد زنان کافر را محکم نگیرید و آنچه را انفاق کرده‌لید بطلبید و (کافران نیز) بلید آنچه را انفاق کرده‌لند بطلبند. این حکم الله است که بین شما حکم می‌کند و الله دانای باحکمت است (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

الله متعال در قرآن کریم به اهمیت این سفر مقدس که توسط هجرت‌کنندگان انجام شده بود، توجه مسلمانان را جلب کرده است. اگر چه در احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم هجرت از مکه مکرمه به مدینه منوره اشاره شده است؛ اما دیده می‌شود که در معانی مختلفی مانند ترک بدی‌ها و دوری از آنها نیز به کار رفته است (ونس‌نک، ۱۹۶۹، ص. ۶۱-۶۸). به طور مثال آن حضرت صلی الله علیه و سلم در حدیثی می‌فرمایند: {... وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ} (بخاری، "ایمان"،

۴، شماره حدیث: ۱۰؛ "رقاق"، ۲۶، شماره حدیث: ۶۴۸۴؛ ابی داود، "جهاد"، ۲، شماره حدیث: ۲۴۸۱؛ سنن نسائی، "ایمان و شرائعه"، ۹، شماره حدیث: ۴۹۹۶. ترجمه: ... و مهاجر کسی است که آنچه خداوند منع کرده است، خود را باز دارد (ترک نماید). در حدیث دیگری آمده است که: «الْهَجْرَةُ تَبْدِئُ مَا كَانَ قَبْلَهَا» (صحیح مسلم، "ایمان"، ۵۴، شماره حدیث: ۱۹۲ «۱۲۱»). ترجمه: هجرت تمام گناهی را که پیش از هجرت اتفاق افتاده است، محو می‌گرداند. در هر صورت در آیات و احادیث فوق ترغیب هجرت از دارالکفر و بیان فضایل عظیم آن به‌طور واضح بیان شده است، همچنان اهمیت و ارزش هجرت کنندگان در پیشگاه خداوند متعال بیان شده است. در واقع مهاجر راستین و پیروز کسی است که تنها بر ترک وطن اکتفاء نکند؛ بلکه هر آن چیزهای را که شریعت اسلام حرام و ناجایز قرار داده است، رها کند.

ب: اقسام هجرت

فقه‌های اسلام در کتب فقه اسلامی جغرافیای جهان را به سرزمین دارالاسلام و دارالکفر/دارالحرب تقسیم نموده که بر این مبنا هجرت بیشتر به معنای مسافرت از دارالحرب به دارالاسلام برای فراگیری شریعت اسلام و یا مسلمان شدن به کار رفته است. از این رو، هجرت توسط علمای اسلام به‌گونه‌های مختلف طبقه‌بندی شده است. یکی از این طبقه‌بندی‌ها متعلق به عالم، مجتهد و محدث مشهور ابن دقیق العید (متوفی: ۷۰۲هـ/۱۳۰۲م) می‌باشد. براساس این طبقه‌بندی، مهاجرت را در پنج بخش بحث می‌توان کرد:

۱. هجرت اصحاب کرام به دیار حبشه؛
۲. هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم از مکه مکرمه به مدینه منوره با کسانی که به او ایمان آورده بودند؛
۳. هجرت کسانی که از قبایل اطراف برای آموختن اسلام به مدینه منوره آمدند و سپس به وطن خود بازگشتند؛
۴. هجرت کسانی که از مکه مکرمه به مدینه منوره برای مسلمان شدن آمدند و سپس به مکه مکرمه بازگشتند؛
۵. هجرت کسانی که از آنچه خداوند نهی کرده است، می‌باشد.

پس از انجام این تقسیم بندی، ابن دقیق العید می‌گوید، هجرت که در حدیث: {إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ...} (بخاری، "بدء الوحي"، ۱، شماره حدیث: ۱؛ سنن ابی داود، "طلاق"، ۱۱، شماره حدیث: ۲۲۰۱). آمده است، همه انواع هجرت را در بر می‌گیرد (ابن دقیق، بی‌تا، ج ۱، ص. ۶۲).

از سوی دیگر، ابن قیم الجوزیه (متوفی: ۷۵۱هـ.ق/۱۳۵۰م) هجرت را یکی هجرت جسمانی از شهری به شهر دیگر و دیگری هجرت معنوی به سوی خداوند و رسولش در دو بخش تقسیم کرده است (ابن قیم الجوزیه، بی تا، ص. ۱۶). در این صورت می بینیم که ابن قیم الجوزیه چهار قسم اول طبقه بندی را در یک عنوان جمع آوری کرده است. با توجه به هدف و محدودیت موضوع، مواردی که در طبقه بندی اول به عنوان دور شدن از منهیات خداوند جل جلاله و در طبقه دوم هجرت با جان و دل به سوی خداوند و رسولش ذکر شده است، موضوع بحث این تحقیق نمی باشد. هدف اساسی این پژوهش بررسی احکام هجرت از دیدگاه فقه اسلامی است.

علاوه بر این تقسیم بندی تعدادی از علمای کرام هجرت را یکی، سفر (هجرت) به قصد فرار از چیزی و دیگری، به قصد درخواست چیزی نیز طبقه بندی کرده است. بخش اول را می توان به شش بند زیر مورد بررسی قرار داد:

۱. هجرت، رفتن و خروج از دار الحرب به سوی دار الإسلام (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۵). هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از مکه مکرمه به مدینه منوره است که برای مسلمانان مکه مکرمه فرض بود که به مدینه منوره هجرت کنند. لذا این هجرت در ایام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرض بوده است (السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص. ۶). در عصر کنونی نظر به شرایط مورد بحث قرار می گیرد. البته در اینجا دار الکفر می تواند هم سرزمینی باشد که کفر بر آن حاکم است؛ ولی در حال جنگ با اسلام نیست و هم می تواند سرزمین کفری باشد که در حال جنگ و ستیز با اسلام است که در صورت اول اگر فتنه و خونی بر دین نباشد، ضرورتی برای هجرت از آن سرزمین نیست؛ ولیکن در صورت دوم فرض است بر مسلمان که برای حفظ دینش از آن سرزمین به سرزمینی که دینش در امان باشد هجرت کند (سوره نساء، آیه ۹۶) (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۲. هجرت، خروج از سرزمین بدعت، سرزمینی که در آن حرام، منکر و عقاید فاسد شایع و مروج است. به قول امام مالک رحمه الله علیه؛ جایز نیست مؤمن در جایی که سلفه لعنت شده است بنشیند. ابن عربی پس از بیان صحیح بودن این نظر می گوید: اگر نمی توانید شری که می بینید را تغییر دهید، آن جا را ترک کنید (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۵). زیرا الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۶۸). ترجمه: و چون ببینی که در آیات ما از روی تمسخر گفت و گو می کنند، پس از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند. و اگر شیطان تو را به فراموشی لنداخت، پس بعد از یاد آمدن با آن مردم ستمکاره منشین (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۳- هجرت، خروج از سرزمینی که حرام در آنجا حاکم است؛ زیرا برای هر مسلمان فرض است که در طلب رزق حلال بوده به مکانی مناسب هجرت کرد (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۵).

۴. هجرت، به خاطر حفظ جان فرار از اذیت، آزار و شکنجه وارد شده بر بدن، است. این از نعمت های خداوند جل جلاله است که برای مسلمانان به خاطر شکنجه‌ای که بر بدنش وارد شده اجازه مهاجرت داده است. در این راستا اولین فردی که مهاجرت کرد حضرت ابراهیم علیه السلام بود (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۵-۱۸۶). هنگامی که از قومش تردید بسیار شد، گفت: ﴿... وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي...﴾ (سورة عنكبوت، آیه ۲۶). ترجمه: ... من به‌سوی پروردگار خود هجرت می‌کنم... (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی)؛ ﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّدِينَ﴾ (سورة صافات، آیه ۹۹) (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی) و ابراهیم گفت: البته من به‌سوی پروردگارم می‌روم، او مرا راهنمایی خواهد کرد (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). همچنان درباره حضرت موسی علیه السلام الله متعال می‌فرماید: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ (سورة قصص، آیه ۲۱). ترجمه: پس موسی از شهر بیرون شد، درحالی‌که ترسان و نگران بود (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۵. هجرت، خروج از سرزمینی و از مکان‌های مضر و کثیف برای سلامتی بدن به مکان‌های تمیز و منزه، به دلیل ترس از مریضی و بیماری (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۶).

۶. هجرت، خروج برای حفظ مال به دلیل ترس از آسیب به آن، همان‌طور که خون مسلمان محترم است، احترام به مال او نیز الزم است (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۶؛ الدسوقي حمامه، ۱۴۳۸/۵/۲).

هجرت که برای مطالبه چیزی انجام می‌شود نیز به دو دسته تقسیم می‌شود. دین و تقاضای جهانی؛ هجرت‌های صورت گرفته به دلیل مطالبه دینی در هشت بخش قابل بحث است:

۱. مهاجرت‌های انجام شده برای عبرت در روی زمین. الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾ (سورة مؤمن، آیه ۸۲). ترجمه: پس آیا در زمین سیر نکردند؛ تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنها بوده‌اند چه شد؟.. (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). این آیه و آیات مشابه مردم را به سفر برای این منظور تشویق می‌کند.

۲. هجرت برای حج، هر چند هجرتی که در بند اول ذکر شده مستحب است؛ اما هجرت برای زیارت خانه خدا، فرض است.

۳. هجرت که صرفاً برای جهاد به خاطر رضای الله متعال باشد.

۴. هجرت برای سود مالی، از آن جایی که سرپرستی خانواده برای هر شخص (مسئول فرض است؛ بنابراین در صورت لزوم برای امرار معاش نیز مهاجرت فرض است.

۵. مهاجرت برای تجارت و در آمد بیشتر نیز جایز است. چنانچه تجارت به عنوان نعمت و لطفی از جانب الله متعال جایز می باشد. از آن جای که تجارت حتی در حج نیز جایز قبول محسوب شده، در سایر اوقات از طریق هجرت بدون شک جایز می باشد. (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ) (سوره بقره، آیه ۱۹۸). ترجمه: بر شما گناهی نیست که (در ایام حج) از پروردگار خود فضل و رزق طلب کنید (تجارت کنید) (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

۶. هجرت برای فراگیری علم و دانش، الله متعال در قرآن کریم پیرامون همین موضوع چنین می فرمایند: (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) (سوره توبه، آیه ۱۲۲). ترجمه: و شایسته نیست که مؤمنان همگی (برای طلب علم) بیرون شوند، پس چرا از هر قبیله ای از ایشان یک گروهی بیرون نمی شود؛ تا در دین دانشمند شوند و تا قوم خود را، وقتی به سوی آنها باز گردند، بترسانند شاید که آنها (پند گیرند) و از عذاب الله بترسند (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). همچنان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در احادیث متعددی مسلمانان را برای فراگیری علم تشویق و ترغیب نموده است. اگر لازم باشد؛ تا نقطه های دور دست همچون چین برای آموزش علم مسافرت و مهاجرت کرد. نبی کریم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «اطلبوا العلم ولو بالصين» (الیزاز العتکی، ۲۰۰۹، ج ۱، ص. ۱۶۴، شماره حدیث ۹۵؛ البیهقی، ۲۰۰۳، ج ۳، ص. ۱۹۳، شماره حدیث ۱۵۴۳). ترجمه: علم کسب کنید اگر چه در چین باشد.

۷. هجرت به اماکن مقدس، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسافرت در سه مسجد را چنین فرمودند: {لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي هَذَا وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى} (بخاری، "مساجد مکه"، ۱، ۶، "صيد"، ۲۶، "صوم"، ۶۷؛ مسلم، "حج"، ۴۱۵، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳؛ ابو داود، "مناسک"، ۹۴؛ ابن ماجه، "اقامه"، ۱۹۶). ترجمه: برای زیارت فقط می توان به سه مسجد سفر کرد، اینها: مسجد حرام (در مکه)، مسجد اقصی (در بیت المقدس) و مسجد من (در مدینه).

۸. هجرت برای دیدار برادر مسلمان خود، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در یکی از احادیث شان در این باره چنین می فرمایند: لَرَأَى رَجُلًا زَارَ أَخَاهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى، فَأَرْصَدَ اللَّهُ لَهُ، عَلَى مَذْرَجِهِ، مَلَكًا فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ، قَالَ: أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ: أُرِيدُ أَخًا لِي فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ، قَالَ: هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرِيهَا؟ قَالَ: لَا، غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَالَ: فَإِنِّي

رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ، يَاَ اللَّهُ قَدْ أَحْبَبْتُكَ كَمَا أَحْبَبْتَهُ فِيهِ} (صحیح مسلم، "بر"، ۱۲، شماره حدیث ۳۸ «۲۵۶۷»)، ترجمه: مردی به قصد دیدن و ملاقات برادر [دینی] خود [که در ده دیگری بود] رفت. خداوند فرشته‌ای را بر سر راه او قرار داد. هنگامی که آن مرد به فرشته [که در شکل و سیمای انسانی بود] رسید، فرشته از او پرسید: کجا می‌روی؟ مرد گفت: می‌خواهم به دیدن برادرم در این روستا بروم. فرشته پرسید: آیا نعمتی [حق] در پیش او داری که می‌خواهی آنرا به دست آوری؟ گفت: خیر، جز این که به خاطر خداوند او را دوست دارم. فرشته گفت: من فرستاده خداوند به سوی تو هستم، [و آمده‌ام تا به شما مژده دهم که] خداوند تو را دوست می‌دارد، همان گونه که تو آن شخص را [به خاطر خدا] دوست می‌داری".

ج: احکام هجرت

هجرت که نقطه عطف مهمی در زندگی مسلمانان دارد، مبدأ تاریخ مسلمانان و زیر بنای حوادث سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسلمانان به شمار می‌رود. هر کشور و ملتی برای خود مبدأ تاریخی دارند؛ مثلاً، مسیحیان مبدأ تاریخ خود را میلاد حضرت عیسی علیه السلام قرار داده است. در تاریخ اسلام با این که حوادث مهمی مانند ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم بعثت، فتح مکه مکرمه و رحلت آن حضرت صلی الله علیه و سلم موجود بوده، هیچ کدام این وقایع به‌عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان انتخاب نشده است، تنها زمان هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به‌عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان انتخاب شده و مسلمانان تمام حوادث خود را با سال هجری تعیین کردند.

هجرت در نظام اجتماعی و سیاسی اسلام جایگاه خاص خود را دارد، آیات قرآن کریم، احادیث نبی کریم صلی الله علیه و سلم آراء و اقوال علمای کرام بیانگر تأثیر خارق العاده این پدیده اجتماعی در ساختار جامعه اسلامی است. همچنان این موضوع پیوند نزدیکی با سایر آموزه‌های دین مقدس اسلام؛ مانند: اظهار ایمان، جهاد، صبر، ادای فرایض، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز جماعت، جمعه و عید، منوط به آزادی‌های است که در این زمینه فراهم شده است. به همین دلیل، کسانی که نمی‌توانند ایمان خود را آشکار کنند و در کشوری که کفر بر آن حاکم است، فرصت تحقق نیازهای دین خود را پیدا کرده نمی‌توانند. در صورتی که مسلمانان در سرزمین کفر زندگی می‌کنند و امکان آزادانه عمل کردن به فرایض دینی را ندارند، هجرت به سرزمین‌های اسلامی که این امکانات را فراهم می‌آورد، بر آنها فرض است (ابن قدامه، ۱۹۶۸، ج ۹، ص. ۲۹۴). از این رو فهم دقیق و درست هجرت در زندگی مسلمانان بسیار مهم و کارا می‌باشد. چنانچه در تمامی ادیان آسمانی، به ویژه در دین مقدس اسلام در چنین حالاتی امر مهاجرت اشاره و توصیه شده است، که هرگاه فرد مؤمن محیط را که در آن جا زیست می‌کند،

نامناسب برای اظهار دین و عبودیت خداوند جل جلاله دانست، باید وابستگی خود را از وطن و سرزمین خویش ببرد و از آن جا به جای مناسب‌تری هجرت باید کرد. الله متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا لَمْ نَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (سوره نساء، آیه ۹۷). ترجمه: البته آنان که فرشته‌ها ارواح‌شان را قبض می‌کنند در حالی که (به سبب ترک هجرت) به جان‌های خویش ظلم کردند، قبض کنندگان ارواح به آنها می‌گویند: شما در چه حال بودید؟ (در جواب) گفتند: ما در زمین ضعیف بودیم، (فرشته‌ها) گویند: آیا زمین الله وسیع نبود تا در آن هجرت کنید؟ پس این گروه مسکن‌شان دوزخ است، و (دوزخ) چه بد سرانجامی است (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). بنابراین هجرت برای حفظ دین در شرایط سلب آزادی‌های دینی، فرض است برای آن دسته از مسلمانانی که توانایی مهاجرت به سرزمین‌های اسلامی را دارند.

تهدید شدید در این آیه فقط برای کسانی است که یا مرتکب حرام می‌شوند یا فرض را ترک می‌کنند. با استنباط از این آیه کریمه؛ تا زمان شرایطی که هجرت را فرض می‌کند، وجوب هجرت ادامه می‌داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم چنین فرمودند: {لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ...} (بخاری، "الجهاد و السیر"، ۱، ۲۷۸۳). ترجمه: پس از فتح (مکه)، هجرت (واجب) نیست. از اخطار ایشان می‌توان به منع (هجرت از مکه) که با فتح به دار الاسلام تبدیل شد، پی‌برد (الرملی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص. ۸۲).

«پس از فتح مکه مکرمه، وجوب مهاجرت از آن جا به مدینه منوره رفع شد؛ یعنی اگر مسلمانان در آن جا اقامت کنند باکی نیست و یا این که ثواب هجرت از مکه مکرمه به مدینه منوره نمانده است؛ اما هجرت از جایی که شعایر اسلام در آن باقی نماند و احکام دین جاری نباشد، در این حالت هجرت به دار الاسلام واجب است و هر مسلمانی می‌باید نیت جهاد را داشته باشد» (ترجمه نوراحراری، ۱۳۹۱، ج ۳، ص. ۳۴۱). چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَمْتَدُّونَ سَبِيلًا﴾ (سوره نساء، آیه ۹۷). ترجمه: مگر مستضعفان واقعی، از مردان و زنان و کودکان که هیچ چاره و وسیله ندارند و هیچ راهی (برای هجرت) نمی‌یابند (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). این آیه کسانی را که به دلیل بیماری یا ناامیدی و یا فشار کافران فرصت هجرت پیدا نمی‌کنند از حکم واجبی مستثنی می‌سازد (وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷، ج ۲۰، ص. ۲۰۷).

کسانی که فرصت خروج از دار الحرب را دارند؛ اما می‌توانند ایمان خود را در محل اقامتگاه خود آشکار کنند، نیازمندی‌های دین خود را برآورده سازند، جریان اطلاعات را به مسلمانان از

محل زندگی خود تضمین کنند و در نتیجه اسلام را در منطقه خود گسترش دهند، توصیه می‌شود که نباید در چنین شرایطی هجرت کنند. چون حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم در حالی که هیچ کدام فشاری نبود، برای حضرت عباس رضی الله عنه اجازه اسکان در مکه مکرمه را داده بود (الشیرازی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۶۵؛ الرملی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص. ۸۲). نظر یک تعداد علمای شافعی چنین است: اگر چنین شخصی در دار الحرب جایگاه ویژه و امن برای خود بیابد و در گسترش دین اسلام از آن‌جا با مانعی مواجه نشود، هجرت کردن وی حرام است. از طرف دیگر، اگر در جایی قیام خدا شود و مسلمانان آن‌جا نتوانند این وضعیت را تغییر دهند و فرصت خروج باشد، هجرت واجب می‌شود؛ اما اگر استطاعت خروج نداشته باشد، وجوب هجرت باطل می‌شود (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴-۱۴۲۷، ج ۲۰، ص. ۲۰۷).

محمد بن طاهر بن عاشور (متوفی: ۱۳۹۳) کشورها را براساس حکم هجرت به شش گروه تقسیم می‌کند و سپس حکم هجرت را براساس وضعیت این کشورها این‌گونه توضیح می‌دهد:

✓ کشوری که در آن مؤمنان با ظلم و ستم مجبور به رویگردانی از دین خود و گرویدن به ادیان دیگر می‌شوند؛ اما امکان مهاجرت مؤمنان از آن‌جا نیز وجود دارد. مانند مسلمانان که در اندلس با چنین واقعه مواجه شده بودند. مهاجرت از این کشورها فرض است.

✓ کشوری است که سرزمین کفر بوده و شیفته ایمان نیست، همچنان در آن‌جا ارزش‌های مسلمانان از قبیل: جان، مال و ناموس در امان نیست، اقامت در چنین کشوری بدون منازعه جایز نمی‌باشد؛ یعنی اقامت در کشور جنگی و سرزمین دشمن محسوب می‌شود.

✓ کشوری که غیر مسلمان بر آن تسلط داشته؛ اما هیچ نوع فشار بر ایمان و محدودیت اعتقادی موجود نبوده، مانند کشورهای غربی مسیحی امروزی، در مورد سکونت (بنوری و فرقانیار، ۱۴۰۳، ص. ۱۲۰-۱۳۶). در این کشورها دو روایت نقل می‌شود که یکی آن حرام و دیگری مکروه است

✓ کشورهایی که مسلمانان در آن فرصت اجرای قوانین خود را ندارند، هر چند از نظر جان، مال و ناموس در امان هستند. در این کشورها کسانی که مهاجرت کرده‌اند و یا کسانی که مهاجرت نکرده‌اند، محکوم نمی‌شود.

✓ کشورهایی که توهین به مقدسات اسلام در آن‌جا حاکم است؛ اما مسلمانان مجاز به عمل براساس قوانین شرعی خود را دارند. از چنین کشورها مهاجرت کردن الزامی نمی‌باشد.

✓ کشوری که در آن منکرات و بدعت‌ها فراوان است، احکام بسیاری برخلاف فطرت اسلامی در آن اعمال می‌شود، به گونه‌ای که حسنات با اعمال ناپسند آمیخته می‌شود، مسلمان مجبور به ارتکاب کاری خلاف شرع نیست؛ اما نمی‌تواند آن را تغییر دهد، تنها هشدارهای شفاهی

علیه آن‌ها مجاز است؛ یا اصلاً قادر به انجام آن نیز نمی‌باشد. اگر چه علمای هستند که می‌گویند هجرت از کشورهای دسته آخر فرض است؛ اما علمای هم بودند که خلاف آن عمل کردند و هجرت نکردند. در واقع، اگرچه برخی از علماء در دوران فاطمیون در مصر با چنین وضعیتی مواجه بودند؛ اما هیچ یک از این علماء از کشور خود مهاجرت نکردند. محمد بن طاهر بن عاشور اظهار می‌دارد که مسلمانان نباید از این کشورها مهاجرت کنند؛ مگر این‌که از نظر اعتقادی تحت فشار قرار گیرند (التونسی، ۱۹۸۴، ج ۵، ص. ۱۷۸-۱۸۰).

۱. حکم هجرت پس از فتح مکه

در تاریخ اسلام هجرت نبی کریم صلی الله علیه و سلم سرآغاز تشکیل حکومت اسلامی و پیشرفت مسلمانان در همه زمینه‌ها بوده؛ زیرا محیط و مردم مکه مکره علی الرغم تبلیغات سیزده سال رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمادگی برای پذیرش اسلام را به طور کامل نشان نداد، از این رو هجرت پیامبر صلی الله علیه و سلم به مدینه منوره، سرآغازی برای ایجاد حکومت اسلامی گردید. از سوی دیگر به برکت وحدت که در مدینه منوره به دست آمده بود، در نتیجه غزوه‌های بدر، أحد و خندق در مقابل مشرکان مکه مکره قدرت یافتند، نه تنها بر مکه مکره؛ بلکه بر کل شبه جزیره عربستان نیز برتری سیاسی و نظامی را به دست آوردند. به برکت همه‌ای این تحولات، فشارها بر مسلمانان از بین رفت و اصول دین به راحتی قابل فراگیری و ابلاغ شد. در نهایت، هجرت برای مسلمانان که با فتح مکه مکره تسلط کامل بر شبه جزیره عربستان برقرار شد، دیگر یک ضرورت پنداشته نشد. هجرت از این پس برای مسلمانانی که در دار الحرب اسکان داشتند و قدرت خروج از آن‌جا را به دار الاسلام نیز داشتند، تلقی می‌شود. در این موضوع بین علمای اسلام اتفاق نظر موجود می‌باشد و هجرت؛ تا آخر الزمان ادامه نیز خواهد داشت (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۴). پس از آن نیز هجرت به عنوان فریضه الهی مطرح بود؛ یعنی تازه مسلمانان جزیره العرب باید برای تقویت اسلام به مدینه می‌آمدند؛ اما پس از مدتی، هجرت مفهوم گسترده‌تری یافت؛ زیرا روح و مفهوم هجرت، به معنای رفتن از کفر به سوی ایمان است. پس از وسعت سرزمین اسلامی و ارتباط مسلمانان با بلاد کفری، هجرت مفهوم وسیع و گسترده‌تری پیدا کرد؛ کسانی که از بلاد کفر به بلاد اسلام می‌رفتند، جزء مهاجران بودند و همچنین کسانی که برای دفع شر دشمنان اسلام از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌شدند، از مهاجرین نیز محسوب می‌شدند.

بنابر این، اگر مسلمانان در جای که زندگی می‌کنند، نمی‌توانند عقاید و دستورات دین خود را آشکار و به درستی انجام دهند، در صورت استطاعت برایشان فرض است که به جای مناسبی

هجرت کنند. در صورت استطاعت در چنین جای ماندن برایشان حرام است. آیات ذیل بر این مطلب دلالت دارد:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا﴾ (سورة انفال، آیه ۷۲). ترجمه: ... و آنانی که ایمان آوردند و (لیکن) هجرت نکرده‌اند، شما را از دوستی آنها هیچ سهمی نیست، تا آن که هجرت کنند (از مکه به مدینه)... (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی)؛ ﴿... قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...﴾ (سورة نساء، آیه ۹۷). ترجمه: ... آیا زمین الله وسیع نبود تا در آن هجرت کنید؟.. (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی).

صحابی نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد گفت: برای هجرت با پدرم بیعت کردم، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای صحابی فرمودند: ﴿أَبَايَعُهُ عَلَى الْجِهَادِ، وَقَدْ انْقَطَعَتِ الْهَجْرَةُ﴾ (نسائی، "البيعة"، ۹، ۴۱۶۰). ترجمه: برای جهاد با او بیعت کن، اکنون هجرت تمام شده است. آن حضرت صلی الله علیه وسلم خاطر نشان کرد که مسلمانان با فتح مکه قویتر شدند و هجرت جبری از این بعد پایان یافته است. همچنان فرمودند: ﴿لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ...﴾ (بخاری، "الجهاد و السير"، ۱، ۲۷۸۳). ترجمه: پس از فتح (مکه)، هجرت (واجب) نیست. این تصمیم را تأیید کرده است (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۰).

علاوه بر این احادیث، حاکی از پایان یافتن هجرت با فتح مکه می‌باشد، احادیثی نیز وجود دارد که هجرت تا آخر الزمان ادامه دارد. در یکی از این احادیث حضرت معاویه از رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین نقل می‌کند: ﴿لَا تَنْقُطُ الْهَجْرَةُ حَتَّىٰ تَنْقُطَ التَّوْبَةُ، وَلَا تَنْقُطَ التَّوْبَةُ حَتَّىٰ تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا﴾ (سنن أبی داود، "جهاد"، ۲، ۲۴۷۹؛ سنن دارمی، "سير"، ۷۰، ۲۵۵۵). ترجمه: هجرت تمام نمی‌شود (متوقف) تا توبه تمام شود و توبه پایان نمی‌یابد (متوقف) تا خورشید از مغرب طلوع کند. در حدیث دیگری در این باره چنین آمده است: ﴿لَا تَنْقُطُ الْهَجْرَةُ مَا قُوتِلَ الْكُفَّارُ﴾ (سنن نسائی، "بيعة"، ۱۵، ۴۱۷۲ . ۴۱۷۳) «تا زمانی که جنگ با کفار ادامه دارد، هجرت پایان نمی‌یابد (متوقف نخواهد شد)». در حدیث دیگری چنین آمده است: ﴿لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ، وَلَكِنْ هِجْرَةٌ وَتَبَّةٌ، وَإِذَا اسْتَفْزَرْتُمْ فَأَنْفِرُوا﴾ (صحیح بخاری، "جهاد"، ۱، ۲۷۸۳ و ۲۸۲۵؛ صحیح مسلم، "امارت"، ۸۶، ۱۸۶۴؛ سنن ترمذی، "سير"، ۳۳، ۱۵۹۰). ترجمه: پس از فتح (مکه)، هجرت (واجب) نیست و لیکن جهاد و نیت آن باقی است، چون (به جهاد) فراخوانده شوید، بیرون آیید. این حدیث بیانگر این است که تا جای که دین اسلام و شعائر آن در آن جا آشکارا انجام می‌شود، دیگر هجرت یک ضرورت نیست. از سوی دیگر، اگر چه قول حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم «پس از فتح (مکه)، هجرت (واجب) نیست»، در ظاهر مطلق است؛ اما باید مقید با «مدینه» شود؛ زیرا همان‌طور که

در احادیث بالا مشاهده شد، تا زمانی که با دشمن جهاد صورت بگیرد، هجرت لازمی است و مشروعیت آن تا آخر الزمان ادامه خواهد داشت (Ekşi, 2019, p. 233).

به دلیل همین احادیث، فقهای کرام در حکم هجرت بعد از فتح اختلاف نظر دارند. این نظریات را به طور کلی می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

✓ براساس دیدگاه أبو حنیفه، هجرت در ابتدا مستحب بود؛ اما پس از هجرت محمد صلی الله علیه و سلم با مسلمانان به مدینه منوره فرض شد. زمانی که شرایط هجرت به مدینه منوره را ضروری می‌کرد، با فتح مکه مکرمه پایان یافت، لذا حکم هجرت به حالت اولیه خود بازگشته است (السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص. ۶).

✓ وجوب هجرت با فتح مکه مکرمه از بین رفت، چون که مکه مکرمه بعد از فتح به دار الاسلام مبدل شد. پس از آن هجرت فقط از دار الحرب به دار الاسلام واجب باقی مانده است (ابن قدامه، ۱۹۶۸، ج ۹، ص. ۲۹۴).

✓ با فضیلت‌ترین هجرت، هجرتی است که مسلمانان همه چیز خود را رها کرده، به مدینه منوره هجرت کردند. چون که هجرت بعد از فتح مکه مکرمه، ترک شر است که تا قیامت ادامه دارد (ابن قدامه، ۱۹۶۸، ج ۸، ص. ۲۹۴).

چنان که از این نظریات فهمیده می‌شود، در فرضیت هجرت به مدینه منوره و وجوب ترک منکرات پس از فتح و لزوم هجرت از دار الحرب به دار الاسلام، اتفاق نظر وجود دارد. با این اتحاد، احادیثی مبنی بر پایان یافتن هجرت و احادیثی مبنی بر ادامه هجرت که ظاهراً معارض است، جمع آوری شده است (Ekşi, 2019, p. 233).

از سوی دیگر، با توجه به هدف هجرت، نباید از این نکته غافل شد، مسلمانان که در دار الحرب آزادانه دین خود را انجام می‌دادند، بدون این که تحت فشار قرار گیرند، مجبور به مهاجرت نبودند. در واقع حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم وضعیت کاکایش عباس که به او اجازه اقامت در مکه مکرمه را داده بود، بیانگر این است، مسلمان که قادر به انجام احکام دین خود در دار الحرب است، واجب نیست هجرت کند (أبو المحاسن، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۲۲-۲۲۴).

همان‌طور که در بالا ذکر شد، طبق نظر علمای شافعی، مسلمان که معتقد است می‌تواند دین خود را آشکارا در دار الحرب ادا کند و عقیده خود را در آن‌جا به راحتی گسترش دهد، بهتر است که به‌جای مهاجرت در آن‌جا اقامت کند. علاوه بر این، اگر باور بر این باشد که هجرت کردن از نظر ایمانی برای او یا مسلمانان کدام سودی ندارد، در این صورت ماندن در دار الحرب بر او فرض است. بازهم از نظر علمای شافعی، تا زمانی که مسلمان بتواند به تنهایی

زندگی کند و ایمان خود را گسترش دهد و همچنین امنیت جان و مال در دار الحرب را داشته باشد، مکانی که در آن قرار دارد، دار الاسلام محسوب می‌شود؛ اگر آن مکان را ترک کند، آن مکان به دار الحرب تبدیل می‌شود. به همین دلیل ترک آن مکان برای او جایز نیست (الرملی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص. ۸۲؛ وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت، ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷، ج ۴۲، ص. ۱۸۳).

۲. حکم هجرت به کشورهای غیر اسلامی

حفظ جان، مال، عقل، اظهار ایمان، ایجاد دولت که اقتدار سیاسی را فراهم کند، ایفای وظیفه پیام رسانی و توانایی انجام کار برای امرار معاش از جمله موارد الزام کننده است که هجرت را ضروری می‌کند. با توجه به این اهداف، مهاجرت یک مسلمان که در کشور خود تحت فشار قرار گرفته و اعتقادات خود را نمی‌تواند به آزادی ادا کند، به کشور دیگری، به شرایط فشار و دشواری بستگی دارد و ممکن است احکامی مانند مباح، مستحب، مکروه، فرض یا حرام را داشته باشد. در حالی که این دستورها برای ترک دار الاسلام توسط یک مسلمان مهم است؛ اما در تعیین کشوری که او به آن خواهد رفت نیز عامل تعیین کننده‌ای خواهد داشت؛ زیرا اگر کشوری که شخص به آن مسافرت می‌کند، از نظر زندگی مذهبی امن تر از کشوری که در آن است نباشد، سفر او به عنوان هجرت ارزش نخواهد داشت. به عنوان مثال، حتی اگر در کشور که محل زندگی آنها فشارهایی وجود داشته باشد که به حد انزجار نرسیده باشد، کسانی که به تنهایی یا با کمک بستگان خود می‌توانند بر این فشارها غلبه کنند و می‌توانند فرصت‌های شغلی پیدا کنند که امرار معاش خود را در این کشور تأمین کند. کشور خودشان و ماندن‌شان در جایی که هستند به نفع امت است، حتی اگر به ضرر خودشان باشد، می‌توانند به جای مهاجرت در کشورشان بمانند؛ تا آن فشارها را از بین ببرند. به عبارتی دیگر برای منافع امت بهتر است که در کشور خود بماند و برای رفع این فشارها تلاش کند. در این صورت، تنها در صورت بدتر بودن شرایط ذکر شده در بالا، مهاجرت به یک کشور اسلامی دیگر در صورت وجود امن تر یا به یک کشور غیر اسلامی می‌تواند مهاجرت تلقی شود (Ekşi, 2019, pp. 234-235).

گرچه هجرت از ضروریات زندگی دینی است؛ اما زندگی امروزی و روابط بین دولتها نشان داده است که این امر به این آسانی نمی‌باشد. برای شخصی که می‌خواهد از کشوری به کشور دیگر نقل مکان کند، رویه‌هایی کشوری که او را ترک می‌کند و هم کشوری که به آن سفر خواهد کرد، گاهی مهاجرت برای هجرت و مقاصد مشابه را تقریباً غیرممکن می‌کند. بنابر این مهاجرت که یک عمل اختیاری است، تحت تأثیر شرایط و قوانین به وضعیتی فراتر از اراده انسان تبدیل می‌شود و پیچیده تر می‌شود (Ekşi, 2019, p. 235).

به طور کلی کشورها و جوامع تحت سلطه دار الکفر؛ یعنی غیر مسلمانان، محیط هایی هستند که برای ادامه زندگی مسلمانان مناسب نیست؛ زیرا مسلمان که به دار الکفر می‌رود ممکن است مجبور باشد قوانین و دستورهای آنها را پیروی و طبق آداب و رسوم آنها زندگی کند. ممکن است از اذان که شعار اسلام است و از اقامه صحیح نماز محروم شود. علاوه بر این با مالیات هایی که پرداخت می‌شود، تجارت و مخارج به توانمندسازی غیر مسلمانان کمک کند (الباجی، ۱۳۳۲، ج ۶، ص. ۱۵۹).

علاوه بر این، عقاید و باورهای که مغایر با اعتقادات اسلام، قوانینی که حرام ها را حلال می‌دانند و گناهان عمومی که همواره ارزش های مانند حفظ دین، مال، نسل و عقل را که از مقاصد دین است، تهدید می‌کند. هر انسان که در کشور و محیط اسلامی، زاده می‌شود؛ خواه و ناخواه از آموزش و ارزش های ملی و اسلامی سیراب و با آداب و معاشرت اسلامی از اوامر و نواهی الهی بهره مند می‌شوند. از سوی دیگر، کودکان و جوانانی که در کشورهای غیراسلامی ترقی یافته به دنیا بیاید، تأثیرات محیط در افکار، آراء و نظریات او به طور طبیعی انعکاس می‌یابد و با آداب، رسوم و عادات این زادگاه رشد می‌کند و با فرهنگ اسلامی بیگانه می‌شوند. لذا تأثیر محیط های غیراسلامی در رفتار و حرکات نسل دوم یعنی فرزندان به شکل واضح دیده می‌شود، از این رو دین مبین اسلام برای مهاجر و هجرت کننده احکامی خاص را وضع کرده است، در بعضی از موارد هجرت و مهاجرت را از جمله گناهان کبیره شمرده و حتی در برخی حالات، از جمله بزرگترین گناهان به حساب آمده است. همه این‌ها مایه ننگ مسلمانان است، چون که پیرو دینی هستند که دارای عزت، کرامت و عظمت است. به گفته ونشریسی (متوفی ۹۱۴هـ.ق/۱۵۰۸م)، یکی از علمای مالکی، مسلمانان در دار الکفر در معرض رفتارهای منفی؛ مانند: توهین، تحقیر، فریب و تمسخر قرار می‌گیرند. به علاوه، از آن جایی که نمی‌توان به قراردادهای انجام شده با غیر مسلمانان اعتماد کرد، جان و مال مسلمانان در سرزمین کفر همیشه در معرض تهدید است. در واقع ونشریسی با این دیدگاه‌ها می‌خواهد بیان کند که زندگی مسلمانان در دار الحرب غیر ممکن است. به عبارت دیگر، وی خاطر نشان می‌کند که زندگی شرافت‌مندانه و آبرومندانه در دار الحرب و در امان بودن از نظر جانی و مالی هیچ گاه تضمینی نخواهد بود (Ekşi, 2019, p. 235). لذا اصل این است که مسلمانان در دار الاسلام زندگی کنند؛ یا اگر در دار الکفر هستند از اینجا به دار الاسلام مهاجرت کنند. در غیر این صورت در شرایط عادی مکروه یا حرام محسوب می‌شود (السرخسی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص. ۹۴).

الله متعال در این باره چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ (سوره هود، آیه ۱۱۳). ترجمه: و به‌سوی ظالمان (مشرکان) متمائل نشوید که

آتش دوزخ به شما خواهد رسید، و جز الله دوست و کارسازی ندارید، باز نصرت داده نمی‌شود (ترجمه مولوی محمد انور بدخشانی). این آیه و آیات دیگر نیز به همین وضعیت اشاره دارد (سوره ممتحنه، آیه ۱-۴)، (سوره انفال، آیه ۷۲-۷۳). با این حال، امروزه در کشورها و جوامعی که مسلمانان در آن تسلط دارند، چه از نظر سیاسی و چه از نظر فرهنگی، ممکن است علیه یک نوع درک و سبک زندگی مذهبی فشار وارد شود، در حالی که در کشورهای تحت سلطه غیر مسلمانان، محدودیت‌های آزادی مذهبی و حریت‌های وجدانی ممکن است گسترده‌تر باشد. به همین دلیل، امروزه نسبت دادن الزام مهاجرت و زندگی مشترک به آزادی مذهب، اندیشه و وجدان به جای سلطه سیاسی و فرهنگی معتبرتر به نظر می‌رسد (Ekşi, 2019, p. 236). بارزترین مسئله در این زمینه وضعیت مسلمانانی است که به دلایلی؛ مانند: امنیت جان، کار، تحصیل و انجام آزادانه دین خود مجبور به ترک کشور خود یا داوطلبانه از کشورهای اسلامی به کشورهای غربی رفته‌اند. از مباحث فقهی مورد بحث علماء چنین برداشت می‌شود که در گذشته نیز چنین مواردی وجود داشته است؛ زیرا در کتب فقهی کلاسیک می‌بینیم که مسائلی مانند: وضعیت مسلمانی که به دار الحرب می‌رود و در آن جا گنج می‌یابد (السرخی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص. ۲۱۵)، مکلفیت پرداخت زکات (السرخی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص. ۳۷) و ازدواج با اهل کتاب (السرخی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص. ۵۰ و ج ۱۰، ص. ۹۶)، مورد بحث قرار می‌گیرد.

باید اذعان داشت (پذیرفت) که تفاوت‌هایی وجود دارد؛ زیرا در آن زمان هیچ کشوری در دنیا وجود نداشت که ویژگی‌های دار الاسلام را داشته باشد. مکه مکرمه علاوه بر اینکه محل کفر بود، محل ظلم آشکار مسلمانان نیز بود. در این صورت هجرت به حبشه؛ یعنی هجرت از دار الکفر که در آن ظلم و ستم حاکم است به دار الکفر که در آن جا عدالت حاکم است، می‌باشد. علاوه بر این مهم این است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم دستور هجرت به حبشه را داده است (Ekşi, 2019, p. 236).

آیه‌های ۹۵-۱۰۰ سوره نساء توجه ما را به اصول مهم هجرت به کشورهای غیراسلامی جلب می‌کند؛ زیرا در این آیات الله متعال از مؤمنانی که در راه خداوند جل جلاله هجرت کردند که در آنجا برای رضای خداوند دین خود را بیاموزند و دین خود را گسترش دهند و ارزش‌های مادی و معنوی خود را با مجاهدت در هر جا که رفتند حفظ کردند، ستایش شده است. به همین دلیل برخی از محققین زندگی در دار الکفر را فرصتی مغتنم (غنیمت) برای گسترش دین مبین اسلام و تبیین حقایق دین برای مردم آن جا می‌دانند و خروج مسلمانان از این گونه کشورها را شایسته نمی‌دانند. با این حال، افراد که در محیطی زندگی می‌کنند، دین خود را به

خطر می‌اندازد، با وجود داشتن امکانات هجرت نمی‌کنند، محکوم شدند و مجازات خواهند شد (Ekşi, 2019, pp. 236-237).

بدیهی است که مهاجرت برای فردی که جان و مال وی در کشوری که در آن زندگی می‌کند در معرض ظلم و آزار قرار دارد، امری ضروری است. در نهایت نباید فراموش کرد که عاملی که همه این دلایل را دلیلی برای مهاجرت خواهد کرد، نیت فرد است. به عبارت دیگر، فرد به هر دلیلی مهاجرت کرده است، باید بداند که این وضعیت موقتی است؛ زیرا مهم این است که با مسلمانان در وطن خود زندگی کنیم.

نتیجه‌گیری

بسیاری از رویدادهای مهم در تاریخ بشر وجود دارد که بر زندگی انسان تأثیر فوق‌العاده می‌گذارد، اگر چه میزان تأثیرگذاری این وقایع یکسان نمی‌باشد. یکی از این حوادث هجرت انسان‌ها از یک مکان به مکان دیگر است که در نظام اجتماعی اسلام جایگاه خاصی را دارا می‌باشد. هجرت یا مهاجرت به طور کلی از روزی که انسان خلق شده، هرگز متوقف نشده است. بشریت در زمان‌های مختلف شاهد هجرت یا مهاجرت انسان‌ها بوده و تقریباً همه پیامبران نیز مشمول آن می‌باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و کسانی که به او ایمان آورده بودند، نیز به دلایل مشابه مجبور شدند وطن خود یعنی مکه مکرمه را ترک و هجرت کنند. بنابر این، اولین هجرت شناخته شده در تاریخ اسلام، زمانی رخ داد که برخی از مسلمانان به هدایت رسول نبی صلی الله علیه و سلم به حبشه مهاجرت کردند. بنابر این، هجرت در نظام اجتماعی و سیاسی اسلام جایگاه خاص خود را دارد، آیات قرآن کریم، احادیث نبی کریم صلی الله علیه و سلم آراء و اقوال علمای کرام بیانگر تأثیر خارق العاده این پدیده اجتماعی در ساختار جامعه اسلامی است. همچنان این موضوع پیوند نزدیکی با سایر آموزه‌های دین مقدس اسلام؛ مانند: اظهار ایمان، جهاد، صبر، ادای فرایض، امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز جماعت، جمعه و عید، منوط به آزادی‌های است که در این زمینه فراهم شده است.

دین مبین اسلام برای مهاجر و هجرت کننده احکامی ویژه را وضع کرده است. هجرت با استناد آیات قرآن کریم، احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم و اقوال علمای اسلام در هر زمان که حکمت و سبب آن در بین جامعه به وجود آمد، فرض می‌گردد. هدف اصلی هجرت، ایجاد وطنی به دور از ظلم و آزار، زندگی راحت و شرافت‌مندانه در چارچوب فرامین الهی، رسانیدن پیام و گسترش دین اسلام است. به همین دلیل، وطن مسلمان جایی است که اوامر و نواهی الهی را آزادانه انجام دهد، ایمان خود را بیان کند و به آسانی مقتضیات بندگی خود را انجام دهد. در

غیر این صورت نباید در جایی که هست بماند؛ بلکه باید به جایی برود که بتواند آزادانه بندگی کند.

هجرت در مواردی «فرض، مستحب، جایز و حرام» دانسته شده است. بناءً برای مسلمان شایسته است که در کشوری مسلمان زندگی کند و به کسب و کار بپردازد، اگر ضرورت پیش آمد؛ مانند: جنگ‌زدگی، فقر و بیکاری، تحصیل علوم و یا دعوت‌شان به اسلام، در این صورت می‌تواند فقط برای رفع ضرورت و نیاز خودش در بلاد کفار به‌طور موقت زندگی کند؛ تا مادامی که مشکل او بر طرف شده و شرایط تغییر کند. در این مدت از هر نوع فعل حرام مانند معاملات و خوراکی‌های محرمه و غیره دوری کند و بر دین و ایمان خود استقامت ورزد و با علماء، دعوت‌گران اسلامی در ارتباط باشد، به فرایض دینی از جمله نماز در هر شرایطی مقید باشد؛ اما اگر قادر به حفظ دین و ایمانش نباشد، براساس قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم اقامت مسلمان در کشور کفری جایز نیست. بدیهی است که مهاجرت برای فردی که جان و مال وی در کشوری که در آن زندگی می‌کند، در معرض ظلم و آزار قرار دارد، امری ضروری است. در نهایت نباید فراموش کرد که عاملی که همه این دلایل را دلیلی برای مهاجرت خواهد کرد، نیت فرد است. به عبارت دیگر، فرد به هر دلیلی مهاجرت کرده است، باید بداند که این وضعیت موقتی است؛ زیرا مهم این است که با مسلمانان در وطن خود زندگی کنیم.

حفظ جان، مال، عقل، اظهار ایمان، ایجاد دولت که اقتدار سیاسی را فراهم کند، ایفای وظیفه پیام‌رسانی و توانایی انجام کار برای امرار معاش از جمله موارد الزام‌کننده است که هجرت را ضروری می‌کند. با توجه به این اهداف، مهاجرت یک مسلمان که در کشور خود تحت فشار قرار گرفته و اعتقادات خود را نمی‌تواند به آزادی ادا کند، به کشور دیگری، به شرایط فشار و دشواری بستگی دارد و ممکن است احکامی مانند مباح، مستحب، مکروه، فرض یا حرام را داشته باشد.

برای اینکه مسلمانان از احکام شرعی تعدد هجرت آگاهی لازم داشته باشند، کارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد:

✓ ایجاد فرصت‌های شغلی پایدا، متنوع و بهبود شرایط اقتصادی؛

✓ بهبود سیستم آموزش و تحصیل با کیفیت؛

✓ ثبات سیاسی و امنیتی؛

✓ تشویق به سرمایه‌گذاری داخلی؛

✓ حمایت از جوانان و خانواده ها؛

✓ توسعه زیرساخت ها؛

✓ ارتقای کیفیت زندگی.

منابع و مآخذ

القرآن الكريم

- ابن دقیق، العید. (بی تا)، *احکام الأحکام* شرح عمده الأحکام، ج ۱، بی جا: مطبعة السنة المحمدية.
- ابن قدامه، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي. (۱۹۶۸)، *المغنى*، ج ۹، قاهره: مكتبة القاهرة.
- ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين. (بی تا)، *الرسالة التبوكية = زاد المهاجر إلى ربه*. المحقق. محمد جميل غازي. جده: مكتبة المدني.
- ابن منظور، محمد بن مكرم أبو الفضل جمال الدين. (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، ج ۵، بيروت: دار صادر.
- أبو المحاسن، يوسف بن موسى بن محمد و الحنفی أبو المحاسن جمال الدين المَلْطی. (بی تا)، *المختصر من المختصر من مشكل الآثار*، ج ۱، بيروت: عالم الكتب.
- أبوداود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني. (بی تا)، *سنن أبي داود*. المحقق. محمد محيي الدين عبد الحميد. صيدا بيروت: المكتبة العصرية.
- البابرتي، محمد بن محمد أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي. (بی تا)، *العناية شرح الهداية*، بی جا: دار الفكر.
- الباجي، أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي القرطبي (۱۳۳۲)، *المنتقى شرح الموطأ*، ج ۶، مصر: مطبعة السعادة- بجوار محافظة مصر.
- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. (۱۳۹۱)، *صحيح البخاري با ترجمه فارسی*، ج ۳، مترجم عبدالعلي نوراحراری. تربت جام: شيخ الاسلام احمد جام.
- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله. (۱۴۲۲)، *صحيح البخاري*. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر. بی جا: دار طوق النجاة.
- بنوری، عبدالمطلب و فرقانیار، رحمت الله، (۱۴۰۳)، حکم سکونت در کشورهای غیراسلامی در پرتو شریعت اسلامی، *مجله علمی- تحقیقی بین المللی دیوان*، ۵(۲)، ۱۳۶-۱۲۰.

البیهقی، أحمد بن الحسين بن علی بن موسى الخُسْرُو جردی. (۲۰۰۳). شعب الإيمان. ج ۳، بومبای: مکتبه الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية.

الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسى بن الضحاک. (۱۳۹۵). سنن الترمذی. مصر: شركة مکتبه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

التونسي، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور. (۱۹۸۴). التحرير والتنوير. ج ۵، تونس: الدار التونسية.

الجرجاني، علی بن محمد الشریف. (۱۹۸۵). التعريفات. بيروت: مکتبه لبنان.

الدارمی، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بهرام بن عبد الصمد. التميمي السمرقندی (۱۴۱۲). مسند الدارمی المعروف به (سنن الدارمی). تحقيق. حسين سليم أسد الدارانی. المملكة العربية السعودية: دار المغني للنشر والتوزيع.

الدسوقي حمامه، حسني حمدان. (۵/۲/۱۴۳۸). الهجرة في القرآن الكريم. بازيابي در ۱۴۴۵/۱۱/۲۰، از <https://www.alukah.net/sharia: https://www.alukah.net/sharia/0/109156>

الراغب الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات في غريب القرآن. ج ۱، المحقق: صفوان عدنان الداود. دمشق، بيروت: دار القلم، الدار الشامية.

الرملي، شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين. (۱۴۰۴). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج. ج ۸، بيروت: دار الفكر.

السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (۱۴۱۴). المبسوط. ج ۱۰، بيروت: دار المعرفة.

السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (۱۴۱۴). المبسوط. ج ۲، بيروت: دار المعرفة.

السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (۱۴۱۴). المبسوط. ج ۳، بيروت: دار المعرفة.

السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة. (۱۴۱۴). المبسوط. ج ۵، بيروت: دار المعرفة.

الشيرازي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف. (بي تا). المذهب في فقه الإمام الشافعي. ج ۳، بي تا: دار الكتب العلمية.

العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل. (۱۳۷۹). فتح الباري شرح صحيح البخاري. ج ۶، بيروت: دار المعرفة.

النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي. (۱۴۰۶). سنن نسائي. تحقيق. عبد الفتاح أبو غدة. حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري. (بی.تا). صحيح مسلم. المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

ملا قاری، محمد علی بن (سلطان) و القاری، أبو الحسن نور الدین. (۱۴۲۲). *مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح*. ج ۱، بيروت: دار الفكر.

مؤمنی تیکدری، مهدی. (بی.تا). هجرت در قرآنکریم. بازیابی در ۳ ص ۷، ۱۴۰۳، از <http://momeni88.blogfa.com: http://momeni88.blogfa.com/post/38>

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت. (۱۴۰۴ - ۱۴۲۷). *الموسوعة الفقهية الكويتية*. ج ۲۰، كويت: دارالسلاسل.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت. (۱۴۰۴ - ۱۴۲۷). *الموسوعة الفقهية الكويتية*. ج ۴۲، كويت: طبع الوزارة.

ونسینک، آرنٹ یان. (۱۹۶۹). *المعجم المفهرس لألفاظ الحديث النبوي*. ج ۷، ماده: "هَجَرَ" لیدن: بریل.

اليزاز العتكي، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق بن خلاد بن عبيد الله. (۲۰۰۹). *مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار*. ج ۱، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم.

Ekşi, A. (2019). İslam Hukuku Bakımından Gayrimislim Ülkelere Hicret, *AİBÜ İlahiyat Fakültesi Dergisi*, 7(13), 220-241.

Önkal, A. (1998). *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi*. İstanbul: Diyanet Yayinlari. 17, 458-462.